



جبر و اختیار از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی / بی‌تقوایی انسان را از علم ماندگار محروم می‌کند

حضرت آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به این‌که انسان مجبور و مضطر است که مختار باشد به تبیین مسأله جبر و اختیار پرداخت و گفت: نشانه اختیار انسان آن است که انسان در جایی که فاعل است بدون اراده نمی‌تواند کاری انجام دهد.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به این‌که انسان مجبور و مضطر است که مختار باشد به تبیین مسأله جبر و اختیار پرداخت و گفت: نشانه اختیار انسان آن است که انسان در جایی که فاعل است بدون اراده نمی‌تواند کاری انجام دهد.

به گزارش خبرگزاری رسا، حضرت آیت‌الله عبدالله جوادی آملی روز چهارشنبه در مسجد اعظم در ادامه درس تفسیر قرآن با قرائت آیات ابتدایی سوره مبارکه غافر و با اشاره به آیات «حم 1 تنزيلُ الکتاب منَ الله العزیز العظیم 2» گفت: این که کتاب گفت به قرآن کریم به این معنا است که اصل کتابت محقق شده بود و حضرت امیر(ع) آن را جمع می‌کرد.

وی با اشاره به این‌که در روایت است که اخلاق پیامبر(ص) قرآن بود، اظهار کرد: یعنی سکوت و قیام و قعودش و همه امور زندگی‌اش تفسیر قرآن بود، نه این‌که آدم خوبی بود، خلق پیامبر(ص) تفسیر قرآن بود نه اخلاق، خلق حضرت یعنی حقیقت و هویت درونی او قرآن بود نه این‌که فقط کارهای خوبی می‌کرد.

نویسنده تفسیر تسنیم ابراز کرد: پیامبر مأمور بود که قرآن را برای مردم تبیین کند، حضرت خطوط کلی جنگ و جهاد را تبیین می‌کرد، خود در خط حضور داشت، بعد از بازگشت دلیل شکست را تبیین می‌کرد، در مسائل اقتصادی و دیگر مسائل اجتماعی نیز این گونه بود.

وی با اشاره به این‌که پیامبر(ص) در یک دوره ده ساله به تبیین قرآن پرداخت و اگر کسی می‌خواست تربیت شود به بهترین نحو می‌توانست تربیت شود، اظهار کرد: و برای تربیت یک راه درس و بحث و تفکر را پیش پای انسان گذاشت و راه دیگری را هم برای تربیت پیش پای انسان گذاشت.

بی‌تقوایی انسان را از علم ماندگار محروم می‌کند

حضرت آیت‌الله جوادی آملی ادامه داد: در قبال حواس پنج‌گانه انبیا و اسلام راهی آوردند و گفتند اگر کسی وارستگی و طهارت روح را از دست داد، رهاورد آن بخش را ندارد، اگر کسی بینایی را از دست داد اما شنوایی را دارد، مناظر را تنها می‌بیند، پیامبران گفتند اگر کسی انسان خوبی نبود بخشی از علم را ندارد.

وی بیان کرد: در سوره مبارکه بقره فرمود تقوا پیشه کنید تا خدا به شما بیاموزد، یا فرمود کسی که تقوا پیشه کند خداوند برای او فرقان قرار می‌دهد، البته آن علمی که در برزخ انسان را نجات می‌دهد، و انسان آن را از یاد نمی‌برد، برخی علما در پایان عمرشان فقط عالم هستند، یا برخی تا پایان هم نیست و به آلزایمر مبتلا می‌شوند.

مفسر برجسته قرآن کریم با اشاره به این‌که علمی که تنها می‌ماند تنها از راه تقوا به دست می‌آید، ابراز کرد: برخی هم راه درس و بحث را دارند و هم راه تقوا و نماز شب را داشتند، تفسیر پیامبر(ص) از قرآن مانند تفسیر ماها نبود، بلکه تفسیر عملی داشت، در جنگ‌ها حضرت می‌فرمود وقتی که این سفرها را طی می‌کنید به هر تپه که رسیدید بگویید الله اکبر، یا رفتید در دره سبحان الله بگویید.

وی خاطرنشان کرد: خواصی از اصحاب که در راهپیمایی‌های قبل از انقلاب که این ذکراهی که مربوط به جبهه‌های حضرت پیامبر(ص) بود، همان‌ها را می‌گفتند، برخی همان مرگ بر شاه را می‌گفتند، اما برخی ذکراهی مختلف پیامبر(ص) در جنگ‌ها را به دست آورده بودند و این ذکرها را می‌گفتند.

تبیین معنای جبر و اختیار از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

حضرت آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به پرسشی درباره جبر و اختیار خاطرنشان کرد: در روایات ما آمده است که جبر محال است نه این‌که بد است، بلکه چیز محالی است مانند دو دوتا پنج‌تا و تفویض هم محال است و اختیار مسأله ضروری است، انسان مجبور است آزاد باشد، انسان هر کاری بخواهد بکند بدون اراده محال است، بخواهد غیبت کند یا ذکر بگوید بدون اراده

محال است.

وی گفت: ممکن نیست بشر کاری بکند بدون اراده، انسان سر دوراهی ایستاده است، وقتی سر دو راهی ایستاد انجام کار و ترک کار به او منسوب است، هنوز تصمیم نگرفته است که کاری را انجام دهد، در این جا سه قضیه است که انسان مختار است و به ضرورت هم مختار است و امکان انجام کار و ترک کار را هم دارد.

نویسنده کتاب مفاتیح الحیات خاطرنشان کرد: انسان مضطر است که کاری را انجام دهد، یعنی مجبور است که اختیار داشته باشد، او این جا تکلیفی دارد و باید تکلیفش را انجام دهد، اگر دست به کاری زد و به هر کدام از دو طرف رفت تکلیف از بین می‌رود، این که انسان یک طرف را ترجیح دهد یعنی اختیار، او مجبور است که یکی از دو طرف را اختیار کند و تفویض هم نیست زیرا مجبور است کاری را انجام دهد.

وی با اشاره به این که انسان از عمل خود مورد پرسش است، گفت: اگر معدنی بخواهد لعل گردد روی طبیعت کار می‌کند و الله این خاک را مضطر کرده که به این سمت برود و گیاهان با غریزه و حیوانات بر اساس میل و انسان با اراده خود کاری را انجام می‌دهد، این طبیعت، این غریزه، این میل و این اراده و اختیار انسان همه ضروری است.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی نشانه اختیار انسان آن است که انسان در جایی که فاعل است بدون اراده نمی‌تواند کاری انجام دهد، ابراز کرد: یک وقت انسان مورد فعل است، دست انسان را می‌گیرند و بیرون می‌برند، اینجا فرد فاعل نیست، بلکه مفعول است و مورد فعل است و چون فاعل نیست نه جبر است و نه اختیار و نه تفویض است.

انسان مجبور است که مختار باشد

وی گفت: یک وقت یک کسی را تهدید می‌کنند و می‌گویند برو بیرون، او اختیاراً ترجیح می‌دهد برای حفظ جان از روی اراده بیرون برود، این اختیار است، اما اگر دست او را بگیرند و بیرون بکشند این جبر نیست، چون اصلاً فاعل نیست که اختیار و جبر معنا داشته باشد، فرو رفتن آب در حلق روزه را باطل نمی‌کند، بلکه آن جا که انسان از روی اختیار آب بخورد روزه‌اش باطل می‌شود.

مفسر برجسته قرآن کریم ادامه داد: انسان در حال عادی مضطر است که اختیار داشته باشد، امام صادق(ع) فرمود جبر باطل است و تفویض هم باطل است و فاصله بین جبر و تفویض وسیع‌تر از آسمان و زمین است، گروه اندکی آن توحید افعالی را رعایت کردند که در هسته مرکزی بین جبر و تفویض قرار گرفتند.

وی ابراز کرد: ما را مختار آفرید و هر کاری که باشد از کانال اختیار ما به الله می‌رسد، معنای طولانی بودن خدا این نیست که کار یک بعد است و فاعل قریب و فاعل بعیدش خداوند باشد، بلکه هر کاری که انسان انجام می‌دهد از این کانال سه ضلعی عبور می‌کند و به خداوند می‌رسد.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به آیه «مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَعْرِزُونَ تَقْلُبُهُمْ فِي الْيَلَادِ 4» ادامه داد: قرآن جو نزول دارد که باید فضای نزول را در سه بخش محلی، ملی و بین‌المللی ملاحظه کرد، تفسیر قرآن بدون ملاحظه تاریخ آن روز ممکن نیست و همچنین برای تبیین معنای جدال در سوره غافر که چهار بار مطرح شده است باید فضای نزول سوره غافر را ملاحظه کرد.

اسلام دین فهم است

وی ادامه داد: پیامبر(ص) فهم آورد، مقلد هستی باید بفهمی، نفی می‌کنی باید بفهمی، دین دین فهم است، انسان تا نفس می‌کشد باید بفهمد، اگر می‌خواهی رأی منفی بدهی باید محققانه باشد، اگر می‌خواهی رأی مثبت بدهی باید فهم داشته باشی، اگر بخواهد مرجع یا مقلد باشی باید محققانه و از روی فهم باشد.

نویسنده تفسیر تسنیم خاطرنشان کرد: انسانی که به دنبال هر عرفان نوظهوری حرکت می‌کند یا به دنبال هر نحله‌ای حرکت می‌کنند، به این دلیل است که محققانه عمل نکرد، در تقلید هم باید فهیمانه کار کرد، اگر دنبال‌رو هستی بفهم به دنبال که راه افتادی، اگر جلوداری بدان که کجا داری می‌روی، این دین است.

وی با اشاره به این که در سوره مبارکه غافر فرمود اینان که محققانه عمل نکردند سلطان ندارند، اظهار کرد: در بحث عقل نظری

جای جولان وهم و خیال بسیار است، عقل این خیال را رام می‌کند، وهم را کنترل می‌کند، این عقل این دو را عقال می‌کند و عقل عملی شهوت و غضب را عقال می‌کند، عقل عملی سلطان بر شهوت و غضب است.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به آیه «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادِلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ 5» ادامه داد: یک عده سلطان ندارند و بدون سلطان حرف می‌زنند، برخی مجادله می‌کنند در آیات خداوند تا بتها را اثبات کنند یا این‌که خداوند را نفی کنند، خداوند در قرآن هر دوی این‌ها را بدون سلطان معنا کرد که آیه 71 سوره اعراف نمونه‌ای از آن است.

وی خاطرنشان کرد: انسان به قدری مختار است که چیزی ممکن است برای او صد در صد مبرهن باشد اما قبول نکند، الان خطر اعتیاد برای این معتادان مشخص است اما همچنان کار خود را ادامه می‌دهند، حضرت موسی(ع) به فرعون گفت برای تو صد در صد مشخص شد که من درست می‌گویم و نپذیری، پذیرش از آن یک قوه دیگر است و فهم از آن یک قوه دیگر است، انسان به کجا می‌تواند برسد.

وی با اشاره به آیه «وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ 6» خاطرنشان کرد: گروه اندکی ممکن است مخلد باشند، گرچه که آیات بسیاری دلیل بر خلود است اما نمی‌توان گفت خداوند بالضروره اینان را مخلد می‌کنند، خلود در آتش بسیار اندک است.